



■ مهدی سلطانی

مروی بر زندگی آیت الله
اشرفی اصفهانی

چشمه ایثار

عنوان مبلغ و مربی نمونه در جهان اسلام جلوه گر ساخت. تواضع و همدردی اش در برابر مردم و با مردم، عبادت خالصانه، ساده زیستی، حلم و استقامت، آگاهی به زمان و شناخت حقیقت و شیفتگی مخلصانه، او را اسوه ای ماندگار در اخلاق و معرفت دینی، برای همه نسل های جامعه اسلامی ساخت. سعی نگارنده در این مقاله آن است که با تبیین شمه ای از فضائل معنوی و اخلاقی آن شهید محراب، یکی از چهره های تابناک روحانی، دینی و فرهنگی شهر شهیدان (اصفهان) را به جامعه و نسل های انقلاب اسلامی معرفی کند تا با الگوگیری از شخصیت والای اخلاقی او، خود را در سیر الی الله و در مسیر زینت دهی وجود به اخلاق الهی قرار دهند.

مقدمه

دارالعلم اصفهان که قرن ها جایگاه شکل گیری شخصیت های ارزشمند علمی و معنوی بوده، و جایگاه ویژه ای را در توسعه دانش ها به ویژه در تمدن اسلامی داشته است، از حیث پرورش چهره های ماندگار علمی و اسوه های سلوک و معرفت نیز سرآمد بوده است. برخی تعلیم یافتگان در این سامان، علاوه بر برخورداری از درجات عالی علمی، صاحب روح بلند معنوی، اخلاص و مراتب اعلای تقوا، معرفت و اخلاق فاضله الهی و انسانی بوده اند. از جمله این افراد، عالم ربانی، فقیه فرزانه، زاهد عابد، چشمه ایثار و معرفت و متخلق به اخلاق الهی، شهید محراب آیت الله اشرفی اصفهانی فرزند میرزا اسدالله و نوه میرزا محمد جعفر سدهی است.^۲

وی از رونق دهندگان حقیقی محافل علمی، کانون های معنوی و حوزه علمی شیعی اصفهان در زمان خود به شمار می آمد؛ زیرا اشتغال ایشان به تدریس و تعلیم و تربیت طلاب جوان، همراه با مجاهدت مخلصانه گواه این مدعا است. ویژگی ها و روحیات معنوی وی به گونه ای بود که هر انسان

۲- ریاحی، محمدحسین، «شکوه دیرین حوزه اصفهان و آخرین ستارگان آن»، صص ۵-۶.

کلیدواژه ها

شهید محراب آیت الله اشرفی اصفهانی، اخلاق الهی، اخلاق عبادی، اخلاق اجتماعی، اخلاق انسانی، جهاد و مبارزه، اخلاص و تقوا.

چکیده

از جمله اسوه های بیدار عرصه اخلاق و رفتار الهی و افتخار عظیم روحانیت در مسیر علم و عمل، که بر تارک تاریخ سربلند و قهرمان پرور اصفهان، قلب تپنده جهان رفتار الهی و افتخار عظیم روحانیت در مسیر علم و عمل، که بر تارک تاریخ سربلند و قهرمان پرور اصفهان، قلب تپنده جهان اسلام در اختیار اسلام درخشید، و نام وی به مثابه «چشمه ایثار» در نهان های عالمان و فقیهان و بیدارگران اقلیم قبله تاریخ انقلاب اسلامی ثبت شد، آیت الله شهید اشرفی اصفهانی رحمه الله است؛ شهیدی که ویژگی ها و روحیات معنوی وی به گونه ای بود که هر انسان حق مدار و صاحب بصیرت حقانی را به خود جلب می کرد. اطمینان قلبی، وی را در میدان های نبرد دوران دفاع مقدس حاضر کرد، و اصفهانی رحمه الله فعالیت های گسترده فرهنگی و اجتماعی از جانب ایشان، او را به است

۱- دانشجوی دوره دکتری علوم قرآنی.

حق‌بینی را به خود جلب می‌کرد، و این معیار والا بود که از او الگو و اسوه‌ای از مردان خدا و شخصیت‌های بزرگ برای همه نسل‌ها به وجود آورد. در این نوشتار، سعی نگارنده بر این است که با تبیین شمه‌ای از زندگانی آن شهید محراب، جلوه‌های متبلور اخلاقی سیره و منش نیکوی ایشان را ذکر کند، و ویژگی‌های اخلاقی و فضایل رفتاری وی را مورد بررسی قرار دهد

گذری بر زندگانی شهید محراب

شهید محراب، آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی در شعبان المعظم سال ۱۳۲۲ ق برابر با ۱۲۸۱ ش در خمینی‌شهر اصفهان در خانواده‌ای روحانی متولد شد.^۳ پدرش مرحوم میرزا اسدالله از علمای دین و مردی زاهد با زندگی ساده‌ای بود. جدّ اعلای ایشان نیز از علمای جبل عامل بوده است. او خود در این باره می‌گوید: «نسب بنده منتهی می‌شود به یکی از علمای جبل عامل که این‌ها در صدر اسلام از برکت حضرت ابوذر، اسلام را اختیار کردند، و بعد از آن در سیده، و تا آن‌جا که در نظرم هست، اجداد پدری ما همیشه از علمای معروف محل بودند».^۴

شهید محراب، آیت‌الله اشرفی اصفهانی از نوجوانی و پس از گذراندن دوره مکتب‌خانه، در دوازده سالگی به توصیه پدر عالمش، از خمینی‌شهر، عازم اصفهان می‌شود، و درس حوزه را با اخلاص و ایمان و پشت‌کار آغاز می‌کند. او طی ده سال سکونت در حوزه علمی اصفهان، دوره‌های مقدمات، سطح، و فقه و اصول را در محضر استادانی همچون آیت‌الله سید مهدی درچه‌ای و سید محمد نجف آبادی به پایان می‌برد. سپس به قم هجرت می‌کند، و دوره عالی و اجتهادی فقه و اصول را در محضر بزرگانی چون آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، حاج سید محمد تقی خوانساری، سید صدرالدین صدر، سید محمد حجت، آیت‌الله بروجردی و فلسفه را از حضرت امام خمینی

فرامی‌گیرد.^۵

فعالیت‌های فوق‌العاده او در تنظیم و تقریر دروس آیت‌الله بروجردی، استاد را بر آن داشت تا به حجره‌اش رود، و ایشان را مورد عنایت ویژه خود قرار دهد. همین گام اولیه، موجب دوستی و ایجاد علاقه بسیار، بین شاگرد و استاد شد.^۶

شیخ عطاءالله اشرفی اصفهانی از اوایل طلبگی در اصفهان شروع به تدریس کرد. در قم نیز به مدت هفده سال، در کنار اقامت و تحصیل، به تدریس و تعلیم و تربیت طلاب جوان اشتغال ورزید. به عنوان نمونه، مجتهد مجاهد، آیت‌الله احمد جنتی، از شاگردان او در تدریس کفایه و مکاسب در حوزه علمیه قم بود. سپس در طی طوماری که علمای کرمانشاه به حضرت امام خمینی رحمه‌الله نوشتند، و خواستند که آیت‌الله اشرفی را به امامت جمعه آن شهر تعیین کنند، آن عالم ربّانی و متخلص به فضائل و اخلاق الهی، به فرمان رهبر خویش لیبیک گفت، و در ۱۴ ذی‌قعدة سال ۱۳۹۹ ق با حکم ایشان، امامت جمعه کرمانشاه را پذیرفت، و در آن شهر، ضمن حفظ سنگر نماز جمعه، به تدریس و تعلیم فقه، اصول و دیگر معارف دینی ادامه داد.^۷ خطبه‌های نماز جمعه شهید اشرفی اصفهانی، نشانگر حساسیت و توجه ایشان به بیان موضوعات مورد نیاز مسلمانان، و تشریح مواضع انقلاب و امام خمینی رحمه‌الله بود. ارائه مطالب مربوط به ولایت فقیه، موضوع جنگ و ضرورت حضور مردم در جبهه‌ها و کمک و پشتیبانی رزمندگان و از همه مهم‌تر، تبیین خط امام و مقابله با منحرفان و خیانتکاران، عمده‌ترین محورهای مباحث ایشان به شمار می‌رفت. نقش و حضور ایشان در جریان افشای خطر انحرافی بنی‌صدر و صدور اعلامیه، درباره عزل وی از مقام ریاست جمهوری، در آن مقطع انقلاب، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود که حکایت از تطابق دقیق مواضع فکری و سیاسی ایشان با رهبر انقلاب اسلامی داشت.^۸

۵- مشایخی، مهدی، پاسداران اسلام، صص ۴۶-۴۷.

۶- گروه پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۲، ص ۹۰۱.

۷- اقتباس از مجله پیام انقلاب، شماره ۷۰، ص ۷.

۸- یاران امام به روایت اسناد ساواک، صص ۱۵-۱۶.

۳- اشرفی اصفهانی، محمد، محراب خونین باختران، ص ۲۴.

۴- همان، ص ۲۵.

ابی سفیان، خوارج....

اسوه اخلاق و فضیلت اسلامی

امام خمینی - رحمه الله - که خود نمونه‌ای از مردان خدا و شخصیت‌های بزرگ است، و به قول شهید محراب در بی‌هوایی نظیر ندارد، در پیام تاریخی خویش، آن سالک إلى الله را چنین توصیف می‌کند:

«حاج آقا عطاء الله اشرفی اصفهانی را مدت طولانی به صفای نفس و آرامش روح و اطمینان قلب و خالی بودن از هواهای نفسانی و ترك هوی و اطاعت امر مولی و جامعیت علم مفید و عمل صالح می‌شناسم، و در عین حال، مجاهد و متعهد و قوی النفس بود...»^{۱۱}

خلف صالح خمینی کبیر، حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز آیت الله اشرفی را سرآمد اخلاق معرفی کرده است، و می‌فرماید:

«مرحوم آقای اشرفی - رضوان الله علیه - يك انسان دوست داشتی

مطلوب بود... بسیار فعالیت‌های فوق العاده او متواضع، باخلاص، در تنظیم و تقریر دروس باصفا و بی‌ادعا بود، آیت الله بروجردی، استاد به طوری که احترام و رابرتا داشت تا به تجلیل همگان را حجره‌اش رود، و ایشان برمی‌انگیخت»^{۱۲}.
را مورد عنایت ویژه خود قرار دهد

ساده‌زیستی و پارسایی

در این بخش لازم است که اشاره‌ای به جلوه‌های اخلاقی آیت الله اشرفی که می‌توانند همه آن‌ها الگو و اسوه برای حصول به معالی اخلاق، جهت اقتدا و توجه نسل‌های انقلابی جامعه و نظام جمهوری اسلامی در این مسیر الهی باشد، داشته باشیم. شهید محراب، اگر در این جهت بی‌نظیر نبود، لااقل کم‌نظیر بود. ساده‌زیستی و سرگذشت او همانند اکثر عالمان دینی بود. او از او ان طلبگی، با فقر و تنگ‌دستی زندگی می‌کرد؛ اما هرگز مشکلات ناشی از فقر،

آن روحانی مبارز در دوران دفاع مقدس نیز علی‌رغم کهولت سن و ممانعت مقامات امنیتی و حفاظتی، مسافرت‌های طولانی و راه‌های صعب‌العبور را به عشق دیدار دلاورمردان جبهه‌های نبرد، با وسایل نقلیه نظامی در شرایط دشوار می‌پیمود، و بارها در جبهه‌های ایلام، قصر شیرین، پادگان ابوذر، گیلان غرب، نوسود، شبستان، آبادان، خرمشهر و سومار حضور یافت، و با سخنرانی‌های دلنشین خود، به سپاهیان اسلام، روحیه بخشید. او با خواندن نماز شکر در مسجد قصر شیرین، پس از آزادی این شهر، به همه رزمندگان غیور اسلام، درس معنویت و معرفت داد.^۹ در ذکر افتخارات و مجاهدت‌های آن شهید فرزانه، باید به آثار قلمی و اقدامات فرهنگی - اجتماعی ایشان اشاره کرد؛ کتاب‌های *البیان* (در علوم قرآنی به زبان فارسی)، *تفسیر قرآن* (خلاصه‌ای از تفاسیر شیعه و سنی)، *مجمع التستات* (در اصول دین و عقاید و کلام، به زبان عربی در چهار جلد)، مجموعه‌ای پیرامون *حروف مقطعه در قرآن* (به زبان فارسی) و کتابی در موضوع غیبت امام زمان علیه السلام. تلاش در تأسیس ساختمان مکتب الزهراء، مسجد ولت عصر خمینی شهر، مسجد امام حسین - علیه السلام - خمینی شهر، حوزه علمیه امام خمینی کرمانشاه، ساختمان مسجد النبی کرمانشاه و توسعه مسجد آیت الله بروجردی در کرمانشاه، از جمله اقدامات و آثار فرهنگی - اجتماعی وی به شمار می‌آیند.^{۱۰}

سرانجام مجاهد نستوه و عالم ربّانی، آیت الله اشرفی اصفهانی در ظهر جمعه بیست و سوم مهرماه ۱۳۶۱ ش در سنگر نماز جمعه کرمانشاه، با منفجر شدن نارنجکی، در سن هشتاد سالگی به شهادت رسید، و بدین سان چهارمین شهید محراب، به پیشگاه ابدیت تقدیم شد. آری! آن چشمه ایثار و انسانیت، به جهانیان ثابت کرد که شهادت، میراث مردان خدا است، و ننگ و رسوایی، نصیب منافقان و وارثان آل

۹- همان، صص ۱۶-۱۸.

۱۰- گروه پژوهشگران، *گفتن/برابر*، ج ۲، صص ۹۰۰-۹۰۱؛ مجله *سپستان*، شماره ۸۳، صص ۳۸-۳۹.

۱۱- روزنامه *جمهوری اسلامی*، ۲۴ / ۷ / ۱۳۶۱ ش، شماره ۹۸۷.

۱۲- همان، ۲۲ / ۷ / ۱۳۶۳ ش، شماره ۱۵۵۷.

نتوانست مانعی بر سر راه علمی و معنوی او ایجاد کند.^{۱۳} ایشان با این که در شهرهای بزرگ اصفهان و کرمانشاه اقامت داشت، و بار منصب و مسئولیت‌های مهمی را بر دوش می‌کشید، و امکانات فراوانی در اختیارش بود؛ ولی باز هم به همان زندگی ساده، بسنده کرد. با این که وجوه شرعی فراوانی به دستش می‌رسید، و از سوی فقهای بزرگ عصر، اجازه استفاده شخصی از آن‌ها را داشت، تا آخر عمر، در خانه‌ای کوچک و ساده و تنگ، زندگی کرد، و زمانی که امام خمینی برای ایشان پیغام داد که به آقای اشرفی بگویید: یک خانه بزرگ و امن و مناسب با شأن خودشان، تهیه کنند، آیت‌الله اشرفی در پاسخ گفت: «من بیش از چند روز دیگر زنده نیستم! و همین منزل، خوب و مناسب است، از جهت امنیتی هم این شاء الله خطری ندارد».^{۱۴}

ایشان، خود را دائماً خدمت‌گزار مردم معرفی می‌کرد، و در عمل نیز آن را به اثبات رسانده بود. به عنوان نمونه، هرگاه پیشنهاد تعمیر خانه و استفاده از امکانات بیشتر به ایشان داده می‌شد، می‌فرمود: «اگر راست می‌گویید، بروید به فریاد فقرا برسید، و خانه فقرا را تعمیر کنید، همین خانه برای من بس است».^{۱۵}

او جسمی ضعیف داشت، و همیشه کم غذا می‌خورد غذایش اغلب نان بود، و گاه پنیری در کنار آن. هر وقت به او گفته می‌شد که با این وضع جسمی که شما دارید، کم غذا خوردن برای شما ضرر دارد، می‌فرمود: «همین قدر هم برای ما زیاد است. در حالی که رزمندگان اسلام در خط مقدم جبهه‌های حق علیه باطل، خیلی از اوقات، نان خشک می‌خورند».^{۱۶}

از پذیرش خدمتکار برای خانه‌اش نیز امتناع می‌ورزید، و می‌گفت: «من کی هستم که کسی بیاید، و من به او امر و نهی کنم. او هم بنده خدا است. من تا وقتی که قدرت روی پا ایستادن داشته باشم؛ خودم کارهایم را انجام می‌دهم. آن وقت هم که از پا افتادم،

۱۳- در این باره داستان‌هایی در کتاب محراب خونین باختران آمده است، طالبان می‌توانند به آن مراجعه کنند.

۱۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۷ / ۱۳۶۳، شماره ۱۵۵۸.

۱۵- گروه پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۲، ص ۹۰۳.

۱۶- مجله پیام انقلاب، شماره ۷، ص ۶.

آن دیگر وظیفه دیگری است».^{۱۷}

از ساده‌زیستی و بی‌توجهی او به متاع قلیل دنیوی، این بود که در وصیت‌نامه‌اش قید فرمود تا نصف منزل مسکونی خویش متعلق به امام امت باشد، و پس از مرگ، ورثه باید پول آن را به امام بدهند. موضوع مذکور، حاکی از توجه وی به مسائل و جوهرات شرعی و فرمانبرداری و علاقه به رهبر مستضعفان و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بود.^{۱۸}

آری! حقیقتاً باید شهید محراب را مصداق این آیه شریفه نامید که: «لَكَيْلًا تَأْسُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَمَّا تَفَرُّوا بِمَا آتَاكُمْ»^{۱۹}

اخلاق نیکو

ویژگی‌ها و روحیات معنوی آیت‌الله اشرفی به گونه‌ای بود که هر انسان طالب حقی را جذب و به خود جلب می‌کرد. در مدت اقامتش در قم، معمولاً یک ساعت پیش از اذان صبح به حرم حضرت معصومه - علیها السلام - می‌رفت، و به راز و نیاز می‌پرداخت. این روش او، حاکی از علاقه، شیفتگی و احترام خاص و افزون وی به ساحت مقدس اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم السلام - بود. آیت‌الله مرعشی - رحمه‌الله - می‌فرمود:

«همیشه قبل از اذان صبح که به حرم حضرت

معصومه - امام خمینی برای ایشان
علیها السلام - پیغام داد که به آقای
مشرّف می‌شدم، یا اشرفی بگویید: یک خانه
اولین نفر بودم، یا بزرگ و امن و مناسب با
حاجی آقای اشرفی شأن خودشان، تهیه کنند،
قبل از من آمده آیت‌الله اشرفی در پاسخ
بود».^{۲۰}

انس و الفت ایشان به روز دیگر زنده نیستم!

قرآن مجید، حفظ آیات قرآن

و نیز تشکیل جلسات تفسیر قرآن، و بهره‌گیری از مفاد قرآنی در اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی‌اش، از وی سیمایی ملکوتی و خلقی حسن ساخته بود. خواندن

۱۷- گروه پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۲، ص ۹۰۴.

۱۸- اشرفی اصفهانی، محمد، عروج خونین، صص ۱۹-۲۲.

۱۹- سوره حدید، آیه ۲۳.

۲۰- مشایخی، مهدی، پاسداران اسلام، ص ۷۰.

مداوم زیارت عاشورا و سفارش دیگران به قرائت همیشگی آن و زمزمه دعای کمیل در تمام شب‌های جمعه نیز نمونه‌ای از تخلّق و تمسک وی به سیره اولیای الهی بود.^{۲۱}

اخلاق شهید محراب در خانواده

آیت‌الله اشرفی اصفهانی، در زندگی خانوادگی اش کوچک‌ترین اختلافی با همسرش نداشت، و بارها بیان می‌کرد که من زن را برای کار کردن نیآورده‌ام؛ بلکه برای او در اسلام، وظیفه‌ای مشخص شده است؛ لذا او همیشه کارهایش را خودش انجام می‌داد، و حتی به همسر و فرزندانشان نیز اجازه نمی‌داد تا برایشان کار انجام دهند. یکی از فرزندان آن شهید می‌گفت:

«به خاطر ندارم که ایشان حتی یک بار به همسرشان گفته باشد که یک لیوان آب به من بده! حتی بسیاری از اوقات هم دیده می‌شد که ایشان با آن سن زیاد و ضعف بدنی، صبح‌ها برای کمک به مادرم چای را درست و آماده می‌کنند».^{۲۲}

ایشان از ابتدای زندگی، تا پیش از موضوع ترور شخصیت‌ها، خرید لوازم مورد نیاز خانه را خودش انجام می‌داد، و در مسیر بازگشت از نماز جماعت، از مغازه‌های قصابی، نانوايي و میوه‌فروشی، اقلام مورد نیاز تهیه می‌کرد، و به خانه می‌آورد.^{۲۳}

ایشان علی‌رغم مشغله‌های وافر، وقتی را هر روز به خانواده اختصاص می‌داد به اعضای خانواده، درس‌ها و مواعظ اخلاقی می‌داد، و سوالات ایشان را پاسخ می‌گفت؛ از جمله به فرزندان خویش توصیه می‌فرمود: به کسی حسادت نورزید، و همیشه خود را برای خدا و در محضر خداوند، عزیز کنید.

اخلاق اجتماعی

از جلوه‌های اخلاقی آیت‌الله اشرفی اصفهانی در اجتماع، و در برخورد با مردم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اخلاق حسنه‌اش همیشه دیگران را مجذوب

خویش می‌کرد. هیچ‌گاه حتی با زبان، کسی را نمی‌رنجانید. با این‌که از برخی افراد مغرض یا ناآگاه که ایشان را آزار می‌دادند، ناراحت بود، دیده نشد کسی را مورد عقاب و خطاب قرار دهد، یا مقابله به مثل کند.^{۲۴}

۲. اگر کسی از ایشان تقاضایی داشت، در صورتی که در توان ایشان بود، آن را برآورده می‌ساخت، و اگر در توانش نبود، با خلق خوش و زبان شیرین به او پاسخ می‌داد.

۳. آن شهید، هیچ‌گاه از خود ادعایی نداشت، در برابر همه افراد، خود را پایین‌تر می‌دانست و اگر گوینده‌ای از ایشان در مجامع عمومی، تعریف می‌کرد، سخت ناراحت می‌شد، و پس از اتمام سخنرانی، به گوینده می‌فرمود: «آن چه گفتی، در من نبود، و من راضی نبودم این کلمات را برای من بگویی».^{۲۵}

۴. در برخوردهای وی همواره تواضع و فروتنی، نمایان بود، از تکبر، پرهیز داشت، و هیچ‌گاه در برابر دیگران پایش را دراز نمی‌کرد.^{۲۶}

۵. هنگامی که بر سر سفره‌ای وارد می‌شد، هر چند غذای مختلفی تهیه شده بود؛ اما او تنها از یک نوع غذا استفاده می‌کرد.

۶. همیشه عزّت را از آن خدا می‌دانست، و در سفارش به فرزندان خویش و دیگران می‌فرمود: خداوند اگر آدمی را لایق عزّت ندید، عزّت را از او خواهد گرفت؛ چون عزّت از آن خداوند است و به هر که بخواهد عطا می‌کند.^{۲۷}

۷. آیت‌الله اشرفی اصفهانی، عالمی ژرف‌اندیش و واقع‌بین بود و به خوبی می‌دانست که اختلافات و گرفتاری مسلمانان، ناشی از توطئه خصمانه دشمنان اسلام جهت ایجاد تفرقه و پراکندگی بین آنان است؛ لذا همه را دعوت به وحدت اسلامی می‌کرد، و در زمان حضورش در کرمانشاه که فرق مختلف شیعه و سنی حضور دارند، با تدبیر و درایت خاص خود و با چنگ زدن به آیات و حدیث بخش قرآن کریم، «انما

۲۴- اشرفی اصفهانی، محمد، محراب خونین باختران، ص ۶۶.

۲۵- مجله سیفان، شماره ۸۳، ص ۵۰.

۲۶- گروه پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۲، ص ۹۰۲.

۲۷- همان، ج ۲، ص ۹۰۴.

۲۱- باران امام به روایت استاد ساواک، ص ۱۹.

۲۲- مجله سیفان، شماره ۸۳، ص ۵۴.

۲۳- مشایخی، مهدی، پاسداران اسلام، ص ۷۱.

الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^{۲۸} و «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^{۲۹} شیعه و سنی را برادروار در یک صف نشانید، و توطئه‌های بدخواهان و دشمنان شیطان‌صفت و تفرقه‌افکن پست را خشی و ناکام کرد. او می‌گفت:

«یکی از توطئه‌های بزرگ دشمن این است که می‌خواهد بین اقشار مختلف، اختلاف بیندازد،»
 «به خاطر ندارم که بین شیعه و اهل سنت و دیگر ایشان حتی یک‌بار به همسرشان گفته باشد که ما بدون وحدت نمی‌توانیم یک لیوان آب به من بده! فرق مسلمین تفرقه بیندازد...»
 «همه دیده می‌شد که مهم، مسأله اتحاد و اتفاق بین برادران شیعه و برادران اهل سنت است»^{۳۱}.
 ۸. شهید محراب همیشه تماس‌های تلفنی را خود پاسخ می‌داد، تلفنچی یا مستخدم و خدمت‌گزاری نداشت. اگر درباره این مسائل پیشنهادی داده می‌شد، رد می‌کرد، و می‌فرمود: «من طلبه‌ای بیش نیستم و شأن و مقامی ندارم، و از این گونه تشریفات، متنفرم». با این‌که این‌ها تشریفات نبود، و مسائل امنیتی ایجاد می‌کرد که مقداری احتیاط کنند، باز هم اعتنایی نمی‌کرد، و می‌فرمود: «زندگی امام از همه ماها ساده‌تر بود. باید ساده زندگی کرد»^{۳۲}.

۹. هرگاه به ایشان مراجعه می‌کردند، و یا خود به مجلسی می‌رفت، محل نشستن او در اول اتاق بود. به هنگام گفت‌وگو، سخن کسی را قطع نمی‌کرد، مشکل مراجعان را حتی الامکان حل می‌کرد، و کارهای ایشان را اصلاح می‌فرمود.^{۳۳}

صبر و استقامت

استقامت و پای‌مردی چهارمین شهید محراب،

بسیار عجیب و باعث تحیر و تعجب همگانی بود. مرحوم آیت‌الله بروجردی، ایشان و دو تن از دیگر

علما و مدرّسین قم را جهت اداره حوزه علمیه و تدریس و اقامه نماز جماعت، به کرمانشاه اعزام کرد. آن دو تن بر اثر مشکلات زیادی که در این شهر بود، کرمانشاه را ترک کردند؛ اما شهید محراب بر تمام نامالیقات و عذاب‌های روحی که اکثرًا از ناحیه یک روحانی‌نمای وابسته به رژیم طاغوت و مخالف امام و ولایت فقیه بود، صبر کرد و توانست انقلاب را در این استان، رهبری کند، و در راه حاکمیت بخشیدن به خط امام و مرجعیت و ولایت فقیه، نهایت تحمل و تلاش را به منصفه ظهور رساند.

او با تمام نیرو در برابر خطوط انحرافی، ایستاد، و بالاخره خون پاک و مقدّسش را تقدیم کرد. حلم ایشان نیز باعث اعجاب عام و خاص بود. با آرامش، مشکلات و کارشکنی‌ها را تحمل کرد، و هیچ‌گاه در صدد انتقام و تلافی برنیامد. آزارها را به خدا واگذار می‌کرد، و در نماز و دعا نزد خدا شکایت می‌کرد.^{۳۴}

حلم و استقامت آن شهید محراب، از وی انسانی آگاه به زمان ساخته بود، به گونه‌ای که همیشه با مقتضیات زمان پیش می‌رفت، و در آن دوران که پیروی از ولایت فقیه در طلیعه وظایف بود، به معرفی امام خمینی -رحمه‌الله- مبادرت می‌ورزید و بارها به فرزندان‌ش می‌فرمود:

«تقویت امام، تضعیف کفر، و تضعیف امام، تقویت کفر است»^{۳۵}.

اخلاق عبادی

۱. فرزند شهید محراب می‌گوید: وقتی پدرم در حوزه علمیه قم بودند، هرگز نماز شب ایشان تعطیل

۲۸- سوره حجرات، آیه ۱۰.
 ۲۹- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.
 ۳۰- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۹/۷/۱۳۶۱، شماره ۹۸۳.
 ۳۱- روزنامه کیهان، ۲۲/۷/۱۳۷۰، شماره ۱۴۳۰۷.
 ۳۲- مجله مبّغان، شماره ۸۳، ص ۵۰.
 ۳۳- همان.

۳۴- مجله مبّغان، شماره ۸۳، ص ۵۳.
 ۳۵- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۱۰.



نمی شد. مقتید بود نماز صبح را با جماعت، در حرم مطهر حضرت معصومه - علیها السلام - بخواند. وی مقتید بود تا نوافل را اکثر اوقات به او آورد.^{۳۶}

۲. او اکثر شب ها را تا صبح بیدار بود و گوش می خواند. از يك ساعت مانده به اذان صبح، نماز شب و مستحبات مربوط به آن آمادگی می نمود.^{۳۷}

سفرش می کرد.

۷. اخلاق عبادت گزینان
تقرب الهی بود؛ زیرا گل وازه ای گلشن عالمان دین و بزرگان عالم گرامی بود که در نماز خونین عشق، سر بر سجده ابدیت و شهادت رساند، و به غایت مقصود خویش - یعنی قرب إلى الله - نائل آمد؛ عاش سعیدا و مات سعیدا.^{۳۸}

زمستان ها با آب بسیار سرد حوض، وضو می گرفت، و بعد بناچار در حوضی کامل به نماز شب مشغول می شد.^{۳۷}

۳. از ویژگی های ممتاز عبادی و معنوی ایشان، توکل و توجه به خداوند و خدا آگاهی ایشان بود، و همواره توصیه می فرمود: «به خدا اتکا کنید، و همیشه کارهایتان را به خدا واگذار نمایید، و بدانید خداوند بهتر از آن چه در انتظار شما است، نصیبتان می کند».

ایشان همیشه ذکر خدا می گفت، و به دعا و مناجات با پروردگار و درخواست همه امور از محضر او مشغول بود.^{۳۸}

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اشرفی اصفهانی، محمّد، محراب خونین باختران، تهران: سروش، ۱۳۶۲ ش.
۳. همو، عروج خونین، تهران: نشر شاهد، چاپ اول ۱۳۸۱ ش.
۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۷ / ۱۳۶۱ ش، شماره ۹۸۳.
۵. همان، ۲۴ / ۷ / ۱۳۶۱ ش، شماره ۹۷۸.
۶. همان، ۲۲ / ۷ / ۱۳۶۲ ش، شماره ۱۵۵۷.
۷. همان، ۲۳ / ۷ / ۱۳۶۳ ش، شماره ۱۵۵۸.
۸. روزنامه کیهان، ۲۲ / ۷ / ۱۳۷۰ ش، شماره ۱۴۳۰۷.
۹. ریاحی، محمّدحسین، «شکوه دیرین حوزه اصفهان و آخرین ستارگان آن»، کیهان اندیشه، پاییز و زمستان ۱۳۷۵ ش، شماره ۶۶.
۱۰. گروه پژوهشگران، گلشن ابرار، قم: نشر معروف، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. مجله پیام انقلاب، آبان ۱۳۶۱ ش، شماره ۷۰.
۱۲. مجله مبلغان، قم: معاونت آموزش های کاربردی حوزه علمیه قم، پاییز ۱۳۸۵ ش، شماره ۸۳.
۱۳. باران امام به روایت اسناد ساواک (شهید اشرفی اصفهانی)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۸ ش.
۱۴. مشایخی، مهدی، پاسداران اسلام، قم: انتشارات موسوی، ۱۳۶۷ ش.

۴. همیشه برای علماء، استادان و پدر و مادرشان طلب مغفرت می کرد، و قرآن می خواند. بنابر اظهار خودش، حدود هیجده جزء قرآن را از حفظ داشت.^{۳۹}

۵. او مطالعه را امری معنوی و پیوستگی در آن را عبادت می دانست؛ لذا همیشه برای رشد و تعالی مسلمان و یک روحانی، مبلّغ و اندیشمند اسلامی، آن را توصیه می کرد، و می فرمود:

اخلاق عبادت گونه اش، خداگرایانه و به قصد تقرب الهی بود؛ زیرا گل وازه ای سرخ از گلشن عالمان دین و از تبار سجده گرانی بود که در نماز خونین عشق، سر بر سجده ابدیت و شهادت رساند

«من اگر مطالعه نکنم و بی کار باشم، خسته می شوم، و بهترین لذت را از مطالعه و نوشتن می برم».^{۴۰}

۳۶- همان، ص ۲۷.
 ۳۷- همان، ص ۳۱.
 ۳۸- همان، ص ۳۵.
 ۳۹- همان، ص ۳۹.
 ۴۰- همان، ص ۴۱.

۴۱- همان، ص ۲۰.

